

شرح حال و آثارِ رابیندرا نات تاگور

شهناز آرا بیگم*

رابیندرا نات تاگور شاعر و نویسنده نامدار هند در ششم ماه مه ۱۸۶۱ م مطابق سال ۱۲۷۸ ق در کلکته در خانواده اشرفی متولد شد. وی جوانترین فرزند «مهاریشی دیوندرنا نات» (Maharishi Devendranath) و نوه شاهزاده «دوارکا نات تاگور» (Dwarkanath Tagore) و خود پیشوای «براهما ساز» و تجدّد طلب نهضت هند در قرن نوزدهم و بیستم بود.^۱

خانواده رابندرا نات دوستی صمیمانه و نزدیکی با راجه رام موهان روی (Raja Ram Mohan Roy) داشتند و پس از مرگ وی اقدامات و برنامه او به وسیله یکی از همکاران و دستیاران صمیمی و با وفایش شاهزاده «دوارکا نات تاگور» تعقیب شد و این شخص پدر بزرگ رابیندرا نات تاگور بود که تصمیم داشت برنامه‌های اصلاحات مذهبی راجه رام موهان را به نتیجه برساند. اما «دوندرنا نات تاگور» پدرش فیلسوف بزرگی بود که توانست نهالی را که رام موهان بر زمین نشانده بود، بارور سازد. دوندرنا نات به خاطر کوشش‌ها و زحمتهایی که در این راه کشید، به دریافت عنوان «ماهاریشی» به معنی «حکیم بزرگ» مفتخر گردید.^۲

تاگور در کودکی از مادر محروم شد. او از پریشانی دوران کودکی خویش سخن به میان آورده که تنها در کنار پنجره می‌نشست و با دقت فراوان به هر سوی می‌نگریست

* استادیار فارسی موقتی دانشگاه دهلی، دهلی.

۱. لغت‌نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، ص ۵۴۹۷.

۲. دانشمندان و مشاهیر بزرگ جهان، ص ۴-۴۲۳.

و از زیبایی‌های طبیعت لذت می‌برد. از کودکی شعر می‌سرود، به طوری که در ۱۴ سالگی نخستین شعر خود را در جشن ملی فرهنگی بنگالی‌ها خواند.^۱

تاگور پس از تحصیلات متوسطه برای تحصیل علم حقوق به انگلستان رفت، اما چون شور و شوق فراوان به ادبیات داشت، از تحصیل در رشته حقوق دست کشید و به هندوستان بازگشت و به اداره املاک خانوادگی پرداخت. او از دوستان نزدیک گاندی بود و در نهضت وطن پرستان استقلال طلب عضویت داشت. با اشعار میهنی و سروده‌های ملی به وطن پرستان کمک کرد. چندی بعد آتش شور و اشتیاق در دلش بیشتر شعله‌ور گشت و اختصاصاً به کارهای ادبی پرداخت. بیش از ۵۰ نمایشنامه، ۴۰ رمان و تعداد زیادی داستان کوتاه و چندین دیوان شعر پدید آورد.

سفرهای بسیاری به کشورهای آسیایی، اروپایی و امریکایی کرد و در آنجا سخنرانی‌هایی ایراد نمود. در سال ۱۹۰۱ م مدرسه‌ای بنام شانتی نیکتان (مقام صلح) تأسیس کرد و به ارشاد و اشاعه و تعلیم افکار و اندیشه‌های آزادیخواهانه مشغول شد.^۲ سال‌های ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۲ م از سالهای درخشان فعالیت‌های ادبی او به‌شمار می‌روند. در سال ۱۹۰۹ م مجموعه مشهور سروده‌های مذهبی او «گیتانجلی» منتشر شد. سال بعد کوشش کرد نهضت «برهموئیزم» را که به واسطه فعالیت‌های سیاسی اهمیت سابق خود را از دست داده بود، دوباره زنده کند. پیش از این پیروان این نهضت به‌عللی به‌سه‌گروه تقسیم شده و در مورد بعضی مسائل اجتماعی با یکدیگر به مخالفت برخاسته بودند. رابیندرا نات در آغاز سعی کرد که این گروه‌ها را باهم متحد سازد و با وجودی که موانع بسیاری را از سر راه برداشته بود، سرانجام در این راه شکست خورد. پس از این به‌شانتی نیکتان بازگشت و مدت یک‌سال به آرامی و بدون هیچ سر و صدایی به تفکر مشغول شد.

پس از آن با گیتانجلی که آن را مشخصاً به انگلیسی ترجمه کرده بود، به انگلستان رفت و در آنجا «ب. یت» (B. Yette) که از دانشمندان و شعرای با احساس و عمیق و

۱. دائرةالمعارف نو، ص ۱۰۹۶.

۲. دائرةالمعارف ادبی، ص ۴۲۳.

دانشمند بود، بر گیتانجلی مقدمه نوشت که شاهدهی بر ارزش و اعتبار این مجموعه نفیس و عالمانه است:

تاگور به هر کاری دست می‌زد، در آن پیشرفت می‌کرد. او در سن ۷۵ سالگی بازی کریکت را فرا گرفت که خاص جوانان است. وی نقاشی را هم در سالهای پیری آغاز کرد و در آن پیشرفت‌های بسیار نمود

”من نسخه خطی این ترجمه را روزهای متوالی با خود، در هر کجا که می‌رفتم، همراه داشتم و در قطار، اتوبوس، رستوران، آن را مطالعه کرده‌ام و اغلب ناچار شده‌ام که آن را ببندم تا مردم غریبه متوجه دگرگونی‌ام از مطالب گیتانجلی نشوند. این اشعار و غزلها در مضامین خود

دنیایی را نمایش می‌دهند که در سراسر عمر آن را در خواب و رؤیا می‌دیدم؛ کارهایی که از یک فرهنگ سخن می‌گویند“^۱.

تاگور به سال ۱۹۱۳ م به دریافت جایزه نوبل در ادبیات نایل گشت و ۸۰۰۰ پوند از آن را برای نگهداری و تعمیر مدرسه خویش خرج کرد.^۲

تاگور در سوم ژوئن ۱۹۱۵ م (۱۲ خرداد ۱۲۹۴ ش) از طرف دولت انگلیس به لقب و عنوان «سر» (Sir) مفتخر شد. در ۱۳ آوریل ۱۹۱۹ م که سپاهیان انگلیس شورش استقلال‌طلبی و آزادیخواهی مردم میهن‌پرست پنجاب را در جلیانوالا باغ (Jalianwala Bagh) امریتسر با آتش سلاح و غضب خود خاموش کردند و جمعی کثیر از اهالی آنجا را به گناه میهن‌پرستی به دیار عدم فرستادند، روحیه تاگور جریحه‌دار شد و ندای همدردی بلند کرد و از عنوان و لقب چشم پوشید و مراتب را طی نامه‌ای به لرد چلمس‌فورد (Chelmsford) نایب‌السلطنه هند اطلاع داد و نوشت ”... آنچه روزی مایه سرافرازی بود، اکنون روزی فرا رسیده است که مایه ننگ گردیده است...“ این عمل تاگور در مردم هند تأثیر بسیار داشت؛ زیرا تاگور معتقد به سختی و مقاومت شدید در مقابل انگلیس‌ها نبود و معتقد بود که ابتدا باید مردم هند را برای احراز استقلال آماده و

۱. دانشمندان و مشاهیر بزرگ جهان، ص ۶-۴۲۵.

2. Enclopaedia Britanica. p.754.

تربیت کرد تا روح قوی و اراده آنان بر انگلیس‌ها غلبه کند. او با روش گاندی مخالفت بود و آن را تندروی می‌دانست و معتقد به رویه نرمش بود.

تاگور از همان اوان جوانی به نوشتن مقالات و سرودن اشعار پرداخت که در جراید محلی منتشر شد و مورد توجه خاص قرار گرفت. آثار تاگور وسعت بسیاری دارد و از رشته‌های مختلف ادبی، اجتماعی، سیاسی، هنری، فرهنگی، تربیتی و مذهبی مشحون است. ملاحظه زندگی افراد عادی بنگال این فرصت را به تاگور داد تا از زندگی روزانه مردم و طرز تفکرشان و عادات و آداب و فرهنگ عامیانه آنان خوب اطلاع یابد و در آثار خود از آنها الهام بگیرد و موضوعات مختلف داستانها و اشعار و کتابهای خویش را از آن میان برگزیند و طرزی نوین در ادبیات بنگالی ایجاد کند؛ چنانچه در تغزل و اشعار عشقی که آن را «پدنویسی» می‌گویند، مهارت خود را نشان داد. او هر چند تحت تأثیر آثار ادب ویشنوا (Vaisnava) که از قرون ماضیه در بنگال رایج بود، قرار گرفت؛ اما با قدرت تفکر و نبوغ ادبی خود توانست یک سبک تأسیس کند و به همین جهت او را «پدر زبان و ادب جدید بنگالی» می‌شمارند و نیز بر اثر شیوع آثار تاگور بود که اشعار «باول و باتیالی» (Baul & Bhatiyali) در سراسر بنگال رواج بسیار یافت و مقبول عامه گشت و از سال ۱۸۸۴ م به بعد که تاگور آنها را منتشر ساخت، همچنان در جامعه و توده و بین کشاورزان و ملّاحان و طبقات مختلف مورد توجه قرار گرفت و جزء ادب عامه گشت و همان طوری که اشعار عرفانی و دو بیت‌های بابا طاهر عریان را در ایران همه، حتی آنان که از عرفان و تصوّف کمترین اطلاعی ندارند، می‌خوانند، تکرار می‌کنند و لذّت می‌برند؛ در سراسر بنگال هم همه مردم این اشعار تاگور را با لذّت خاص می‌خوانند و حظّ می‌برند و به مهر حق و فانی بودن دنیا می‌اندیشند.^۱

تاگور موسیقی‌دان و نقّاش و شاعر بود و به زبان بنگالی اشعار عارفانه و شورانگیزی سرود. به کشورهای اروپا و ایران و ژاپن و چین مسافرت کرد.^۲

۱. نیایش «گیتانجلی»، ص ۲۴-۵.

۲. لغت‌نامه دهخدا، ص ۵۴۹۷.

در سال ۱۹۲۸ م دانشگاه آکسفورد از وی دعوت کرد که برای ایراد چند سخنرانی در آن دانشگاه به انگلستان عزیمت کند. این دعوت مورد قبول رابیندرا نات تاگور واقع گشت. اما به واسطه بیماری نتوانست سخنرانی‌های خود را در موقع مقرر انجام دهد. در سال ۱۹۳۱ م از شوروی هم دیدن کرد و کتابی در مورد زندگی و افکار مردم آن سرزمین به رشته تحریر درآورد.^۱

در آوریل ۱۹۴۱ م دانشکده آکسفورد درجه دکتراى افتخارى را به‌وی اهدا کرد. در آن مراسم خطابه‌ای درباره «بحران در تمدن» ایراد کرد و در آن علل جنگ را با روش عقلی تجزیه و تحلیل نمود و پیشنهادهایی در جهت صلح و توافق عمومی به جهانیان ارائه کرد. این خطابه که در نوع خود یکی از شاهکارهای نثری تاگور است، به نام «مذهب بشر» چاپ و منتشر گردید. وی در هفتم اوت ۱۹۴۱ م پس از یک عمل جراحی در کلکته درگذشت.^۲

دیندرا نات تاگور پدر رابیندرا نات تاگور دیوان حافظ را از برداشت و به‌همین سبب به نام «حافظ حافظ» معروف گشت.

تاگور از سن چهل سالگی در کارهای ادبی و اجتماعی خود تحول و تکامل قابل ملاحظه‌ای یافت و قسمت اعظم کارهای ادبی خویش را از ۱۹۰۱ م به بعد انجام داد و عقاید اجتماعی خود را عملی ساخت. چنانکه شانتی نیکتان را در سال ۱۹۲۲ م در آنجایی که پدرش به تفکر می‌پرداخت، ساخت. این مکتب کوچک که با پول فروش جواهرات زن تاگور تأسیس یافت، از سال ۱۹۲۲ م به بعد به عنوان یک دانشگاه شناخته شد و امروز شهرتی جهانی دارد. زجری که تاگور از دوران تحصیلی خود برده بود، او را به این تفکر واداشت که در مدرسه خود زندگی طبیعی و آزاد را ترجیح دهد تا شاگردان در زیر درختان تنومند به تحصیل و تفکر پردازند و طبیعت خو گیرند و از مواهب آن بهره‌ور شوند و به تماشای به‌گل‌ها و پرندگان، درختان و مرغزارها، آبشارها و کوهساران پردازند و به برادری و برابری نیز به موازات مسائل علمی توجه باشند

۱. دانشمندان و مشاهیر بزرگ جهان، ص ۴۲۶.

۲. لغت‌نامه دهخدا، ص ۵۴۹۷.

و به عظمت خلقت و هم آهنگی طبیعت خارج و خویش پی ببرند و اندیشه و خصائل شان تحت فشار قرار نگیرد و استعدادهای شان توسعه یابد و در نتیجه وجودشان کامل گردد و نیروهای فکری و احساسات دانش آموزان پرورش یابد و منشأ اثر گردد. تاگور در زمینه نمایش نشان داد که نه تنها نویسنده ای بزرگ است، بلکه ثابت کرد که خود نیز یک هنرپیشه عالی قدر است؛ به طوری که بزرگترین هنرپیشه بنگال گفته بود که خوب شد تاگور هنرپیشگی خود را پیشه همیشگی نکرد وگرنه ما همگی دکانمان تخته می شد و بیکار می ماندیم.

تاگور به هر کاری دست می زد، در آن پیشرفت می کرد. او در سن ۷۵ سالگی بازی کریکت را فرا گرفت که خاص جوانان است. وی نقاشی را هم در سالهای پیری آغاز کرد و در آن پیشرفت های بسیار نمود و از آثار نقاشی مشارالیه نمایشگاه های متعددی در دنیا دایر شد و چون آنها را از روی احساسات و هیجان های درونی طرح کرده بود و مورد توجه قرار می گرفت. تاگور کسی است که در هفتاد سالگی نقاشی طرح جدید هند را آغاز کرد.

نه تنها تاگور به ایران مهر داشته، بلکه پدرش مهاریشی نیز به عرفان و ادب ایران علاقه داشته و شیفته و فریفته حافظ بود و بسیاری از اشعار او را از برداشت و هر بامداد صفحه ای از اوپانیشادها و یک غزل از حافظ را به عنوان یک فریضه دینی قرائت می کرد. حتی در مرض موت و هنگام جان دادن که بسیار بی قرار و بی آرام بود، از بستگانش خواست تا غزلی از حافظ را برایش بخوانند و آنان اشعار زیر را از نخستین غزل حافظ با ساز و نوا برایش می سرایند:

مرا در منزل جانان چه امن عیش چون هر دم

جرس فریاد می دارد که بر بندید محمل ها

به می سجاده رنگین کن گرت پیرمغان گوید

که سالک بی خبر نبود ز راه و رسم منزل ها

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل

کجا دانند حال ما سبکباران ساحل ها

همه کارم ز خود کامی به‌بدنامی کشید آخر
 نهان کی ماند آن رازی کزو سازند محفل‌ها
 حضوری گر همی خواهی از او غایب مشو حافظ
 متی ما تلق من تهوی دع الدنیا و اهمل‌ها
 و چون به‌مصرع آخر می‌رسند، او نیز با آرامش و سکون دنیا را وداع گفت و چشم
 از جهان فرو بست^۱.

آثار تاگور

تاگور که از اوان جوانی به‌نگارش مقالات و سرودن اشعار پرداخته بود، روز به‌روز آثار
 نوین و جالبی تقدیم جهان ادب و فرهنگ کرد و تا واپسین دم زندگی از نوشتن و
 سرودن نیاسود. وی در رشته‌های مختلف اعم از شعر، فلسفه، مذهب، تاریخ، موسیقی،
 آموزش و پرورش، فرهنگ عامیانه، داستان‌های کوچک، زبانشناسی، سیاست و جامعه‌شناسی
 قلم‌پردازی کرده و آثار بدیعی پدید آورده است. وی یکی از پُرکارترین نویسندگان بوده
 است. آثار نظمی او یکصد کتاب است که در سی مجلد انتشار یافته و هر یک متجاوز
 از ۵۰۰ صفحه دارد و بالغ بر ۱۵۰۰۰ صفحه می‌شود و آثار نثری او ۲۸ مجلد است. ۴۰
 حکایت کوچک و بیش از ۵۰ نمایشنامه نوشته است که اغلب به‌زبانهای مختلف ترجمه
 شده و بر روی صحنه رفته است. چند فقره از آنها نیز توسط آقای امیر فریدون گرگانی
 به‌نحوی دلچسپ و هنرمندانه و روان به‌فارسی گردانیده شده و انتشار یافته است.
 تاگور در کلیه این آثار نبوغ خود را ظاهر ساخته و با کمال قدرت و مهارت آثار
 ادبی خویش را عرضه کرده است و در عین حال که به‌کفه فرهنگ و تمدن و فلسفه و
 عقاید ملی هند توجه دارد، از عرفان و تصوف ایران الهام می‌گیرد، به‌ادب سانسکریت
 عنایت دارد و از افکار نوین و تخیلات اروپایی متأثر است. او روحی نوین را در
 پیکری کهن حلول داده و عنصری دلفریب و کم‌نظیر پدید آورده که روح‌افزا و جاودان
 گشته است. آثار وی از آزادیخواهی و استقلال‌طلبی مشحون است و با آنکه به‌شدت
 عمل معتقد نیست، بمانند معاصر خود علامه اقبال همه هم میهنان بلکه ملت‌های شرقی

۱. نیایش «گیتانجلی»، ص ۴۲.

را به تعامل فکری و قیام فرهنگی و توسعه تربیت فردی و اجتماعی و حفظ سنت‌های باستانی و صلح‌جویانه دعوت می‌کند.

آثار نقّاشی تاگور نیز مانند سایر آثار او جالب است. تعداد زیادی از نقّاشی‌هایش در مجموعه رابیندرا ناسادان موجود است و در موزه تاگور تعداد کثیری باقی است که به‌نمایش گذاشته شده و محفوظ مانده است.^۱

مجموعه اشعار او بنام «گیتانجلی» به‌وسیله آندره ژید نویسنده مشهور فرانسه ترجمه شد. از جمله آثار این دانشمند بزرگ که به‌زبانهای انگلیسی و فرانسه ترجمه شده است عبارتند از:^۲

ترجمه به انگلیسی	ترجمه به فرانسه	نام کتاب
در سال	در سال	
۱۹۱۴ م	۱۹۲۱ م	باغبان ^۳
۱۹۱۶ م	۱۹۲۱ م	چیدن میوه ^۴
۱۹۱۹ م	۱۹۲۱ م	میهن و جهان
	۱۹۲۴ م	فراری
۱۹۱۵ م	۱۹۲۴ م	صد شعر از کبیر
۱۹۱۳ م	۱۹۲۴ م	ماه جوان
۱۹۱۷ م	۱۹۲۵ م	خاطرات من
	۱۹۲۵ م	آمال و نامه بادشاه
۱۹۳۱ م	۱۹۲۵ م	مذهب بشر
	۱۹۲۶ م	موشی
	۱۹۲۶ م	دوره بهار

۱. نیایش «گیتانجلی»، ص ۲۹-۳۰.

۲. لغت‌نامه دهخدا، ص ۹۸-۵۴۹۷.

۳. در فرانسه (باغبان عشق)، این اثر در سال ۱۳۲۱ هجری به‌وسیله دوشیزه ف.گ. خطیر به‌فارسی ترجمه شد.

۴. در فرانسه «سبد میوه» این کتاب به‌نام «سبد میوه» در سال ۱۳۲۴ ه.ش به‌وسیله ناصر ایراندوست به‌فارسی ترجمه شد.

۱۹۲۹ م

ماشین (درام)
غرق کشتی

داستان

۱۹۳۱ م	۱۹۲۸ م	نامه‌های به یک دوست ^۱
	۱۹۱۴ م	چیترا ^۲
	۱۹۱۴ م	پستخانه
	۱۹۱۶ م	پرندگان آواره
	۱۹۱۷ م	ملیت
	۱۹۱۸ م	تربیت طوطی
	۱۹۲۴ م	خرزهره قرمز
	۱۹۲۵ م	گره‌های باز شده

دیگر از آثار این دانشمند بزرگ عبارت است از:

۱. چترلیبی
۲. وحدت تخلیقی
۳. الوداع ای دوست من
۴. مرکز تمدن هندی
۵. گورا
۶. مناظر بنگال
۷. سنگهای گرسنه
۸. شاه و کلبه تاریک
۹. هدیه عاشق
۱۰. شخصیت
۱۱. یادداشتهای
۱۲. نمایشنامه قربانی و دیگر نمایشنامه‌ها
۱۳. طریقت (نطق‌های تاگور در ژاپن) ۱۴. خدمت
۱۵. دو خواهر
۱۶. منظره‌ای از تاریخ هند
۱۷. سه نمایشنامه

۱. از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۲ م.

۲. این اثر در سال ۱۳۳۴ هـ ش به وسیله فتح الله مجتبائی به فارسی ترجمه شد.

در پایان این مقاله می‌خواهم خاطر نشان کنم که در کتاب «نیایش»، قبل از پیشگفتار، اطلاعات مختصری درباره‌ی بازدید تاگور از مقبره‌ی حافظ شیرازی به تاریخ ۹ فروردین ۱۳۱۱ ش و نیز عکسی از او در آنجا وجود دارد. فیلسوف و شاعر شهیر هند رابیندرا نات تاگور در سال ۱۳۱۱ ش به ایران رفت و به‌هنگام بازدید از شهر شیراز به آرامگاه حافظ قدم نهاد و ساعت‌ها در آنجا ماند و به‌راز و نیاز پرداخت.

منابع

۱. دائرةالمعارف ادبی، ترجمه و تألیف عبدالحسین سعیدیان، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ سوم ۱۳۶۹ ه.ش.
۲. دائرةالمعارف نو، تألیف و ترجمه عبدالحسین سعیدیان، ناشر انتشارات علم و زندگی، تهران، چاپ اول سال ۱۳۷۸ ه.ش.
۳. دانشمندان و مشاهیر بزرگ جهان، مصطفی صدری، انتشارات شقایق، تهران، چاپ دوم سال ۱۳۷۲ ه.ش.
۴. لغت‌نامه‌ی علی اکبر دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر جعفر شهیدی، جلد چهارم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول از دوره‌ی جدید: بهار ۱۳۷۳ ه.ش.
۵. نیایش «گیتانجلی» اثر فیلسوف فرزانه و هنرمند یگانه و شاعر بلند پایه‌ی هند رابیندرا نات تاگور، ترجمه دکتر محمد تقی مقتدری، ۱۳۴۲ ش، از نشریات اداره‌ی اطلاعات سفارت کبرای هند، تهران.
6. Encyclopaedia Britannica, A New Survey of Universal Knowledge, Encyclopaedia Britannica Ltd., Chicago, London, Toronto, Volume 21, 1950.